

طنز در طنز: پاسخ یک داریونی به حسابدار داریانی

شاعر: جلیل زارع	توی رشت و اصفهون هی بخور گوشت و پلو توی جمع این و اون مام کنارمون پره! حلوا خشک و خشکه نون! گر می پلکن دور تو! صدر تا ذیل دشمنون تا داری سی همشون تیر توی چله کمون بله، بپلکن باکی نیس! تو نشو نادل گرون با حساب و با کتاب گر نشد با زور چپون تو مقاله چاپ بکن هی بده به خوردشون	الغرض صبح تا پسین هستی فکر این و اون اعتلائی حرفه ها یا الشت گفتمون! تو تکی، یگانه ای فرق داری با دیگران چون ستاره ی آسمون هر جایی داری مکون هم تو لیست اعتدال هم تو هم اندیشیون خندونی مثل چی چی؟! پسته‌های دامغون مثل تو کجا بیده؟! توی صد تا کهکشون که توجه داشته بید هم به جزء، هم به کلون	خوب فهمیدی عزیز معطل جامعه مون راست گفتی احمدا! معطل او بیده نون کلهم کارات خشه! گر نمی دونی بودون روز برو تو برقاشی! شو تو سوز دم برون! هی حسابداری بکن در بیار یه لقمه نون اماول کنی شاعری شاعری نداره نون بر حذر باش و نکن پا تو کفش شاعرون چون تو جیب شاعرا نیست حتی یک قرون
-----------------	---	---	---

واژه نامه برای غیر داریونی‌ها:

گوشت گرگ تو چالمون: اصطلاحی برای رعایت ادب در سخن گفتن، چیزی تو مایه‌های "خدا اون روز رو نیاره" / نادل گرون: ناراضی / ای: اگر / نوت: اسکناس / هشتی: گذاشتی / بله (به کسر "ب" و "ل"): بگذار / گاه گمون: اول وقت / سی: برای / مام: ما هم / کنار) به ضم "ک": دامن قبا، قسمت پایین پیراهن / خشکه نون: نان خشک / می پلکن: می گردند / چله کمون: تیر کمان / باکی نیس: ترس و واهمه ای نیست، عیبی ندارد / زور چپون: با قلدری، به زور / پسین: عصر / الشت (به فتح "ا" و "کسر ل"): تغییر دادن، عوض کردن / گفتمون: گفتمان / او: آب / بید: بود / کلهم) به ضم "ک" و "ه" و تشدید بر روی "ل": همه ی، کل، تمام / خشه (به فتح "خ" و کسر "ش"): خوش است، خوب است / بودون: بدان / برقاشی: بر آفتاب / دم برون (به ضم "د"): سرمای شدید

